بررسی جوایز قرض الحسنه در سیستم بانکی کشور

تهیه و تنظیم: همایون آرمش
عکس:امیر نریمانی



مقدمه:
آیا تا به حال در بانکی حساب پس انداز باز کرده‌اید؟
دلیل شما از این کار چه بوده است؟
چه هدفی را دنبال می‌کردید؟
بهره مندی از اجر معنوی و یا تصاحب یک جایزه بسیار رویایی مانند یک خانه شیک با تمام وسایل یا یک خودرو بسیار زیبای آخرین مدل و یا میلیون ها تومان پول نقد و یا. . .
امروزه بسیاری از ما با رویای تصاحب یک جایزه ارزشمند، هر چه را که در توان مادی ما باشد، به حسابی در بانکی می‌ریزیم و به انتظار روز قرعه کشی می‌نشینیم.
چند درصد از ما واقعاً به دنبال بهره‌مندی از ارزش‌ها و پاداش معنوی این اقدام خود بوده ایم؟
چه تعداد از ما واقعاًسعی کردیم به دنبال اهداف معنوی کار خود باشیم ؟
در سالهای اخیر بانک‌های کشور، ماراتن نفس گیری را برای ارایه جوایز چشمگیر آغاز کرده‌اند تا مشتریان بیشتری را به خود جلب کنند. این کار شاید باعث جلب مشتری شود، اما به نظر می‌رسد همین عمل می‌تواند نظام بانکی را حداقل در حوزه فعالیت های قرض الحسنه با مشکل مواجه کند.
چرا بانک‌های کشور چنین رویه ای را اتخاذ کرده‌اند؟ چرا این رویه باعث بروز موجی در میان مردم شد تا برای افتتاح حساب به امید جوایز رویایی بانک‌ها اقدام کنند؟
آیا نمی‌توان ترتیبی اتخاذ کرد تا این رویه تعدیل شده و در کنار توجه به معیارهای مادی، به مسائل و ارزشهای معنوی نیز توجه شود؟
برای پاسخ به این پرسش‌ها میزگردی را ترتیب دادیم تا با بهره‌مندی از نظرات کارشناسان، صاحبنظران و اساتید بتوانیم به راهکار قابل قبولی برای فایق آمدن بر بحران جوایز قرض الحسنه نایل شویم.
مشروح این میزگرد از نظرتان می‌گذرد:



آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی: وی در سال ۱۳۲۴ در شهر نجف اشرف متولد شد و پس از گذراندن دروس فقهی نزد آیات اعظام ومراجع تقلید به درجه اجتهاد رسید. وی همچنین در زمینه حقوق خصوصی و فلسفه حدود ۵۰ مقاله علمی و یازده مجلد تالیف داشته است .
آیت الله بجنوردی تاکنون دو دوره به عضویت شورای عالی قضایی در آمده و علاوه بر ریاست دادگاه عالی ،رئیس یکی از شعب دیوان عالی کشور و همچنین عضو هیأت عفو حضرت امام خمینی (ره) بوده است.
وی در حال حاضر رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی ،مدیر گروه حقوق و فقه پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی و عضو هیأت مدیره دانشگاه خوارزمی است.



حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم: وی متولد سال ۱۳۳۰ در شهر مقدس مشهد و فارغ التحصیل در رشته دکترای فقه و اصول است که در سمت‌های مختلف علمی از جمله رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران،معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی قم، رئیس گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده حوزه و دانشگاه به فعالیت مشغول بوده و هم اکنون به عنوان رئیس دانشکده الهیات ،معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق(ع)مشغول فعالیت علمی است.
وی در حال حاضر به عنوان نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در خانه ملت فعال است.
مصباحی مقدم علاوه بر مقالات متعدد اقتصادی تاکنون چهار جلد کتاب با عناوین "در آمدی بر اقتصاد اسلامی"،"مبانی اقتصاد اسلامی"،"تلخیص و تکمیل مبانی اقتصاد اسلامی" و "بررسی سیستم های اقتصادی" را به رشته تحریر در آورده است.



سید بهاءالدین حسینی هاشمی: متولد سال ۱۳۳۴ در شهر کلاردشت و فارغ التحصیل رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه شهید بهشتی و نیز فارغ التحصیل رشته مدیریت عالی اجرایی از سازمان مدیریت صنعتی در مقطع فوق لیسانس است.
وی تاکنون علاوه بر مقالات علمی متعدد ،کتاب اصول بانکداری را نیز به رشته تحریر در آورده است.
حسینی هاشمی در گذشته و پس از استخدام در بانک صادرات ، به عنوان، تحویلدار، کارشناس اقتصادی ، عضو هیأت مدیره و مدیر عامل بانک صادرات استان اصفهان، مدیر امور شعب و عضو هیأت مدیره بانک صادرات ایران فعالیت های بانکی خود را آغاز کرد و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل بانک صادرات ایران مشغول فعالیت است.



مجید حاجی نوروز: وی متولد سال ۱۳۲۳ در شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حسابداری و علوم مالی از دانشگاه حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران است و کتابی با عنوان "ابزارهای جدید در زمینه عملیات بانکی بدون ربا" را نیز به رشته تحریر در آورده است.
حاجی نوروز در حال حاضر مدیر امور نظارت بر بانک ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در گذشته نیز سمت های اجرایی، رئیس ستاد مطالعات و تدوین مقررات بانکی، بازرس بانک ها، سربازرس بانک ها، معاون اداره سازمان و روشها، رئیس دایره بررسی واحدهای بانکی در اداره سازمان و روشها و نماینده ریاست کل بانک مرکزی در کمیسیون برنامه ریزی و نیروی انسانی و تحول اداری بانک مرکزی بوده است .
وی همچنین در کمیته ایجاد کننده سازمان خدمات مالی اسلامی(IFSB) بوده و تا زمان تأسیس آن عضویت داشته است.



عبدالحسین عطوفی: وی در سال ۱۳۳۶ و در شهر تهران متولد شد و تحصیلات خود را در رشته علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی به پایان رسانید و سپس دانشنامه خود را در مقطع کارشناسی ارشد علوم اجتماعی(گرایش جامعه شناسی) از دانشگاه تهران اخذ کرد.
وی در حال حاضر به عنوان سرگروه مرکز مطالعات مالی و بودجه دبیرخانه شورای عالی بانک ها فعالیت دارد.



حمیدرضا حاجی بابایی: وی متولد سال ۱۳۳۸ شهر همدان است که تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در رشته الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه تهران به پایان رسانید و پس از آن در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآنی و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج فارغ التحصیل شد و سپس در همین رشته تحصیلات خود را تا سطح دکتری در واحد تحقیقات دانشگاه آزاد تهران به پایان رسانید.
حاجی بابایی علاوه بر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس به عنوان استاد دوره آموزش عالی فرهنگیان و نیز استاد دانشگاه آزاد فعالیت علمی خود را ادامه داده است.
وی همچنین فعالیت های سیاسی خود را طی دو دوره (دوره های پنجم و ششم) نمایندگی مجلس شورای اسلامی آغاز و اکنون به عنوان رئیس فراکسیون فرهنگیان و عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی فعالیت های سیاسی خود را در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی ادامه داده است.



ناصر کریمی: وی متولد سال ۱۳۳۵ در شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد بانکداری از مؤسسه بانکداری است.
وی در گذشته به عنوان بازرس و سربازرس در هیأت نظارت بر بانک ها مشغول بوده و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس بازرسی بانک ها در همان هیأت فعال می باشد.



فرنوش بهرامپور: وی متولد ۱۳۴۷ شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی است.
بهرامپور تاکنون ۱۰ عنوان مقاله تخصصی در حوزه مسائل خاور میانه نوشته و کتابی تحت عنوان " راهبرد زیست محیطی اسرائیل " در دست چاپ دارد.
وی در حال حاضر علاوه بر معاونت دفتر آموزش سازمان حفاظت از محیط زیست به عنوان نویسنده با نشریات مختلفی همکاری دارد.

سؤال های این میزگرد توسط بهرامپور مطرح شده است.



موسوی بجنوردی: این مقرضینی که قرض‌الحسنه -که شما اسمش را قرض الحسنه می‌گذارید- به بانک -که یک شخصیت حقوقی است- می‌دهند، برای این است که در آن قرعه‌کشی برنده شوند و هدفشان این نیست که سود ببرند

حسینی هاشمی: چندی پیش در جلسه‌ای با حضور آقای دکتر شیبانی برخی از انتقاداتی که علما و مسئولان به نحوه اهدا جوایز داشتند، مطرح شد. از جمله این که به پول نقد به عنوان جایزه ایراداتی وارد شد. مثلاً در قرعه کشی مرحله قبل، بانک صادرات اعلام کرد که به سه نفر ،هر نفر ۱۰۰ میلیون تومان پول نقد می‌دهد، بعد از بانک صادرات، بانک دیگری اعلام کرد ۱۵۰ میلیون تومان، دیگری گفت دوازده کیلومتر اسکناس می‌دهم، به هر حال بانک ها جایزه‌های گوناگونی را به شکلهای مختلف عرضه و این جوایز را به گونه‌های مختلف بیان کردند. مثلاً دوازده کیلومتر اسکناس ممکن است ۵۰میلیون تومان شود. بانک ها بر حسب نحوه رفتار، روانشناسی، جامعه شناسی و بازاریابی جوایز را مطرح کرده‌اند. از آن طرف، حسابهای قرض‌الحسنه را به عنوان یک قرض نیکو و یک منبع بسیار ارزشمند در بانکداری اسلامی می شناسیم و می توانیم از این طریق بخشی از منابع مالی افراد خیر را به عنوان قرض‌الحسنه گرفته، و سودی به آنها نپردازیم و بعد بیاییم آن را به آدمهای مستمندی که توان پرداخت سود بانکی را ندارند، در قالب تسهیلات بانکی پرداخت کنیم . یعنی این گونه سپرده گذارها از سودشان صرفنظر می کنند. برای اموری بسیار خاص و مردمی و خداپسندانه مثل ازدواج، تهیه جهیزیه، هزینه درمان بیماری، هزینه تحصیل و در این قبیل موارد، بانک ها تسهیلاتی در اختیارافرادنیازمند قرار می‌دهند. نوع جوایزی که بانکها برای جمع آوری این سپرده‌ها در نظر گرفته‌اند، ذهنیت جامعه، سپرده‌گذارها و مسئولان را نسبت به اهمیتی که این منابع مالی و این گونه حسابها دارد، قدری با تردید مواجه کرده است. آقای دکتر شیبانی در همان جلسه فرمودند شما تغییری به نوع جوایزتان بدهید وبرمبنای هزینه‌ها و تورمی که باعث کاهش ارزش پول و قدرت خرید پول می شود ،میزان و نوع آن را تعیین کنید. حتی آن کسی که نزد ما پول می گذارد ضرر می کند، پس بگذارید به نوعی از آن بهره‌برداری کنیم که به نیت آن افراد- که افراد زیادی نیزهستند- و به نیت خیرخواهی و خداپسندانه و انساندوستانه این کار را می کنند،لطمه نخورد. بیاییم جوایز را با نوع آن حساب متناسب کنیم و ایشانِ - آقای دکتر شیبانی - بیشتر به جوایز معنوی نظر داشتند، جایزه‌ای بدهیم تا فرد برنده بتواند چند نفر زندانی دارای مشکل مالی را از طریق بانک آزاد کند. ثواب این کار به فرد برنده برمی گردد. ضمن اینکه جوایز دیگری هم بدهیم، یعنی جوایز معنوی که بتواند مسئله قرض‌الحسنه را تحت‌الشعاع مسائل دیگری قرار ندهد، و خدای نخواسته صرفاً بهره‌برداری مالی نشود. بعضی ها می گویند روش فعلی اعطای جوایز شبیه لاتاری وبلیت های بخت آزمایی است و بعضی دیگر روی آن اسم های دیگر می گذارند. ما به عنوان متولی بانک، از این روش راضی نیستیم. در تبلیغات قرعه کشی مرحله قبل با وجود این که جایزه‌های زیادی گذاشتیم ،ولی گفتیم به سه نفر، به هر کدام ۱۰۰میلیون تومان پول نقد می‌دهیم و مردمی که نیازشدید مالی دارند، روی برد این جوایز حساب های رویایی باز کردند. ما آماری داریم که متأسفانه تکان دهنده است؛ یعنی۲ درصد سپرده گذارهای ما ۷۰ درصد سپرده‌های سیستم بانکی را دارند و ۹۸ درصد سپرده گذار های دیگر۳۰ درصد سپرده‌های بانکی را دراختیاردارند. یعنی از ۷۰۰ هزار میلیارد ریال دارایی نقدی که نزد بانک هاست، ۴۹۰ هزار میلیارد ریال متعلق به ۲ درصد از سپرده‌گذارهاست، حال اگر دارایی غیرنقدی هم به همین ترتیب باشد، قطعاً شکاف بزرگی میان آنها به وجود می آید و آنهایی که ندارند، بیشتر تحت تأثیر این تبلیغات قرار می گیرند. از طرف دیگر این تبلیغات تأثیر زیادی برمردم دارد و بر اثر همین تبلیغات، افراد مختلفی حساب های قرض‌الحسنه افتتاح کرده‌اند، به همین دلیل در فکر مطرح کردن جوایزی هستیم که آرزوهای کاذب و جاذبه‌های کاذب ایجاد نکند و باعث رنجش دیگران نشود. از طرف دیگر باید ۲درصد منابع قرض‌الحسنه را به صورت جایزه به قید قرعه و یا هر روش دیگر بپردازیم، و باز الزام داریم که از هر ۲۰ نفر باید یک نفر برنده شود. یعنی ۵درصد دارندگان حسابهای قرض‌الحسنه باید برنده شوند. جوایزمان را هم باید طوری تقسیم کنیم که در هر استان ۵ درصد مردم حتماً برنده شوند. یعنی تعداد جایزه‌ها باید ۵ درصد واجدان شرایط باشد. به هر حال می خواهیم این کار را انجام دهیم، حتی به قیمت اینکه میزان سپرده‌مان ۵۰ تا ۶۰ درصد رشد کند یا نکند ، ولی اگر ما به اجماعی برسیم که بهترین و مؤثرترین راه تعیین جوایز که با روح قرض‌الحسنه سازگاری داشته باشد، حتماً این کار را خواهیم کرد. امروز از منتقدین و از صاحبنظران بسیار ارزشمند کشورمان که در این جمع تشریف دارند خواهش می کنیم که ما را در این زمینه ارشاد و راهنمایی بفرمایند.

بهرامپور: بیایید برگردیم به حدود بیست و چند سال پیش؛ زمانی که حداقل موجودی در بانک ها برای شرکت در قرعه‌کشی حساب های قرض‌الحسنه ۵۰۰ تومان بود و در آن موقع ۵۰۰ تومان رقم بالایی بود، به طوری که یک دانشجو در یک دانشگاهی مثل دانشگاه تهران با این ۵۰۰ تومان می توانست برای چند ماه امور خودش را بگذراند. بزرگترین جایزه‌ای که در آن زمان سیستم بانکی می‌داد، یک اتومبیل پیکان یا یک اتومبیل رنو بود و خیلی‌ها هم مشتاق بودند که این پول را بگذارند. یکی با ۸۰۰ هزار تومان پول جایزه می‌برد و یکی با۵۰۰ تومان و الی آخر. آن زمان گذشت و بنا به هر دلیلی ثروت ها و سرمایه‌های زیادی در این مملکت به وجود آمد که یک سری باد آورده و یک سری از راه کار و زحمت بود. به این ترتیب حجم نقدینگی بالا رفت و سیستم بانکی به این فکر افتاد که بر اساس برخی از دستورالعمل هایی که در بسیاری از کشورها برای مهار تورم رایج است، این نقدینگی را جذب کند تا جلوی تورم گرفته شود. بنابراین بحث صندوق های قرض‌الحسنه و حمایت از این صندوق ها مطرح شد و در نهایت کار به جایی رسید که ما موضوع قرعه‌کشی را مطرح و به مردم اعلام کردیم بیایید پول بگذارید تا علاوه بر اجر معنوی، از جوایز استثنایی هم بهره‌مند شوید، ضمن اینکه آستانه این پول را هم در بانک ها بالا بردیم ،۵۰۰ تومان به ۱۰هزار تومان تبدیل شد. حجم و تنوع این جوایز الآن به صورت سرسام‌آوری در حال تغییر است و این امر بسیار زیبا و خدا پسندانه به یک معضل تبدیل شده است. می خواهم بحث خود را از نقطه‌ای که جناب آقای حسینی هاشمی به آن اشاره کردند، شروع کنم، یعنی جوایز قرض‌الحسنه که در حال

حاضر برای خیلی ها تبدیل به یک معضل شده است، موضوعی که در آن موقع برای یک هدف زیبا بود و همه می آمدند پول می گذاشتند تا یک نفر دیگر استفاده کند. شعار" یکی برای همه، همه برای یکی" در این سیستم در حالیکه الآن به صورتی در آمده است که ما پول می گذاریم، حتی با مبالغ بسیار زیاد تا در نهایت ماشین یا چیزی برنده شویم. بعد هم پول مان را از حساب بیرون می کشیم ، و هر اتفاقی که بیفتد به ما ربطی نخواهد داشت و آن موضوع زیبا - ببخشید من این را عرض می کنم - به یک نوع کاسبی تبدیل شده است. می خواهیم در این نشست این موضوع را بررسی کنیم که چگونه این طور شد؟ آیا واقعاً دوستان یا صاحبنظرانی که اینجا حضور دارند، مسئله جوایز قرض الحسنه را یک معضل می دانند؟ و اگر می دانند، دلیلشان چیست؟ و اگر نمی دانند، در نظام بانکی چه جایگاهی را برای جوایز قرض الحسنه در نظر می گیرند؟

موسوی بجنوردی: من اول مفهوم واقعی قرض را تعریف می کنم. قرض عبارت است از اینکه مُقرض تَملیک می کند و مقترض که در سررسید، عِوض واقعی این شیء را که به او تملیک کرده، پرداخت بکند.

مثلاً فرض کنید بنده وقتی که یک میلیون تومان - من مُقرض هستم - به شما(مُقترض) قرض می دهم، در سررسید عوض واقعی یک میلیون تومان را باید به من بدهید. می دانید که ماهیت پول و اسکناس اعتباری صرف است. یعنی در حقیقت پول و اسکناس عبارت است از نشانه یک مقداری از قدرت خرید. واقعیت این است که من مقداری قدرت خرید را به شما تملیک می کنم و شما در سررسید باید همان قدرت خرید را به من (مقرض) برگردانید. این واقعیت قرض است. حالا شما(مقترض) به عنوان شخصیت حقوقی بانک می گویید به مقرض جایزه می دهیم. البته نه به شخص معینی، می گویید ما قرعه کشی می کنیم و به ده نفر مثلاً فرض کنید نفری یک میلیون تومان جایزه می دهیم و مشخص نمی کنید که به چه افرادی این جوایز را می دهید.



این مقرضینی که قرض الحسنه که شما اسمش را قرض الحسنه می گذارید- به بانک -که یک شخصیت حقوقی است- می دهند، برای این است که در آن قرعه کشی برنده شوند و هدفشان این نیست که سود ببرند. یعنی وقتی که من به شما ، قرض می دهم و شرط می کنم که سود ببرم، این در روایات آمده است "کُلُ قَرضٍ نَجرُوا مَن فَعِل فهو ربا" یا در روایت دیگری می فرماید "کُلُ نَجرُوا مَن فهو حرام" یعنی شما صرفاً می آیید به من قرض می دهید و هیچ شرط سود هم به من نمی کنید.

مسئله ای که در اینجا مطرح می شود ،این است که شما(مقترض) به عنوان شخصیت حقوقی بنا دارید به مجموعه مقترضینی که جمع شده و یک مبلغی را داده اند، یک جوایزی را از طریق قرعه به چند نفراز آنان بدهید. این جوایزی که داده می شود، سود صدق نمی کند، قرضی است که منفعت جلب می کند، چون اگر قرض صدق کرد که جلب منفعت کند، مسلماً از مصادیق ربای قرضی است.

بهرامپور: پس کسب اعتبار از این باب مستثنی می شود، یک بانک مثلاً می آید خدمات خوبی در این زمینه به مردم می دهد و در رقابت از بانک های دیگر جلو می افتد، آیا او با این هدف که می خواهد اعتبار معنوی کسب کند، از این قضیه مستثنی می شود؟

در واقع بانکی که این کار را می کند، از دیگران می گیرد تا صرفاً دارایی خود را بالا ببرد؟

موسوی بجنوردی: به فرض اینکه بالا ببرد، مقرض که چیزی گیرش نمی آید، ببیند اعتبار داده می شود. به مقرض اعتبار می دهید تا اعتبار معنوی ببینید، نه اعتبار مالی .اگراعتبار معنوی باشد که ثواب آن بسیار زیاد است و در روایات زیادی داریم که وقتی انسان قرض می کند و اصل آن را در سررسید می پردازد، یک چیزی اضافه بر مبلغ قرضی خودش بپردازد، بدون اینکه شرطی دراین باره گذاشته شده باشد و در روایات داریم که "خیرُ القرض ماجَرَ مَنفَعه".

پس برای ده نفر، بیست نفر، منظور کردیم که با قیدقرعه بدون مشخص کردن فرد معینی به آنها جوایزی بدهیم، اگر گفتیم این جوایز داده می شود، این ها قرضی نیست که برای مقرض سود جلب می کند. این موضوع داخل در همان قسم می شود که "کُلُ قرض یَجروا مَنفَعِه فهو رباء یا فهو حرام". اگر گفتیم: نه، این قرضی نیست که سود جلب کند. این عمل مثل قضیه بلیت بخت آزمایی می ماند. بلیت بخت آزمایی را جایز می دانیم و می گوییم درست است یا همان لاتاری که درانگلستان است، از نظر من اینها اشکال ندارند.

اما نمی توانم بگویم این قرضی که الآن من به شمابه عنوان یک شخصیت حقوقی می دهم، برای من جلب منفعت می کند. الآن شما هیچ شرطی با من نمی کنید که چیزی به تو می دهم یا نه! الآن به شما بلاعوض قرض می دهم به امید شروع قرعه

حسینی هاشمی: بعضی ها می گویند روش فعلی اعطای جوایز شبیه لاتاری وبلیت های بخت آزمایی است و بعضی دیگر روی آن اسم های دیگر می گذارند. ما به عنوان متولی بانک ، از این روش راضی نیستیم



کشی که اگر به نام من درآمد، چیزی گیرم بیاید. ممکن است خیلی احتمال داشته باشد، که چیزی در قرعه کشی گیرم نیاید، یک بحثش این است.

موضوع دیگر که در بانک ها مراعات نمی شود این است که من مقرض به عنوان یک شخصیت حقیقی که به شمای شخصیت حقوقی فرض کنید ۱۰میلیون تومان قرض می دهم تا سال دیگر اصل آن را به من بدهید. سال آینده شما به من همان ۱۰ میلیون تومان را می دهید؛ در حالی که اگر ۲۰ درصد تورم باشد، شما باید پول من را بدهید. الآن قرض را برایتان تعریف کردم. (تَملِکین عین به العِوَضه واقعی) عِوَض واقعی را باید به من بدهید، باید شما آن مقدار نرخ تورم را که باعث کاهش قدرت خرید شده است روی پول بگذارید و به من مقرض بدهید. مثلاً فرض کنید اگر ۱۰ میلیون تومان به شما دادم، شما باید به من ۱۲ میلیون تومان بدهید.

بهرامپور: از هر راهی که ما به ازا تأمین شود!؟

موسوی بجنوردی : وقتی من قرض دادم، من مقرضم و شما مقترضید و باید در سررسید عوض واقعی این قدرت خرید را که امروز به شما دادم ، به من بدهید.

بهرامپور : این عمل مشکوک به رباء نمی شود؟

موسوی بجنوردی : نه ، رباء نیست. پول من را پس می دهید .

بهرامپور: یعنی بانک برای اینکه خواسته من را تمکین کند، باید به هر عملیاتی دست بزند؟

موسوی بجنوردی : آن بحث دیگری است. فعلاً چیزی از آن، مطرح نمی کنم. اکنون رابطه مقرض با مقترض را عرض می کنم. اجازه دهید ابتدا رابطه حقوقی آن را بیان کنیم. عرض بنده این است مقرض که الآن شما هستید به بانک که او مقترض است قرض الحسنه می دهید، باید بانک در سررسید پول شما را پس بدهد.

باید بانک مقدار نرخ تورم را محاسبه و بر روی پول شما اضافه کند. چون قدرت خرید کاهش یافته است. زیرا زمانی که من به شما ۱۰میلیون تومان قرض دادم، قدرت خرید را به شما قرض دادم و شما باید همان قدرت خرید را در سررسید به من پس بدهید. اگر ندهید، ضِمّه شما فارغ نشده است و این موضوع به شرط نیاز ندارد. اصلاً طبیعت قرض این است که تملیک عین به طرف است و در سررسید باید عوض واقعی را بدهد. حتی در بعضی تعابیر داریم: "اعلاء وجه ضمان"، یعنی مقداری که در ضِمّه آمده است، باید آن را به من برگردانید.

مصباحی مقدم: البته فرمایش حضرت آیت الله بجنوردی از نظر بنده فرمایش متینی است و ایشان تعریفی از پول اعتباری دارند که همین تعریف این اقتضاء را دارد، که مابه التفاوت قدرت خرید به قرض دهنده پرداخت شود. ولی برای این که این جا طبعاً بحث، بحث علمی است، لازم است این را عرض کنم که دیدگاه ها در مورد تعریف پول و در مورد اینکه آیا این مابه التفاوت رباء است یا خیر، مختلف است. ایشان پول را قدرت خرید تعریف کردند. این تعریف پول را همه اقتصاددانان ،همه حقوق دانان و همه فقها نمی پذیرند و نظراتی است که می گوید پول وسیله‌ای است که ما به ظاهر مبادله می کنیم و در واقع همان اسکناس است. این اسکناس اعم از اینکه قدرت خرید باشد یا نباشد، ما آن را مبادله می کنیم. در بازار مردم هزار تومان می دهند و مثلاً جنسی می خرند. یا این که یک میلیون تومان می دهند، مثلاً جنس دیگری می خرند. هیچ توجه خاصی به این که این یک میلیون تومان چقدر قدرت خرید دارد، ندارند. بر این اساس است که نظر عرف جامعه در مورد پول، قدرت خرید نیست. برخی از فقها نیز همین را مبنای فتوای خودشان قرار داده و فرموده‌اند پول از اشیای مثلی است و اگر بنا را بر این گذاشتید که یک میلیون تومان قرض بدهید، حق دارید یک میلیون تومان هم باز پس بگیرید. نه زیاد و نه کم. از جمله حضرت امام (ره) و آیت الله فاضل لنکرانی از مراجع تقلید امروز نیز فتوایشان این است که عرض کردم و در کنارش اشاره ضمنی داشتند مبنی بر این که شرط هم نیاز نیست. بعضی از فقها می گویند، اگر شرط کند که من این قدرت خرید و این پول را می دهم که حکایت از این مقدار قدرت خرید می کند. یک سال بعد که تو پول را برمی گردانی باید این قدرت خرید حفظ شده باشد. در این صورت وفاء به شرط لازم است، ولی مبنای آنها در تعریف پول این نیست که آقای بجنوردی می فرمایند. آنها مبنای دیگری در تعریف پول دارند. بعضی ها این تعبیر را کرده‌اند که بله پول مال مثلی است، اما مثلی به شرط حفظ قیمت است که خیلی تفاوت اساسی با فرمایش ایشان ندارد. اختلاف نظری را ما در بین فقها مشاهده می کنیم و قطعاً اگر بخواهد مبنای عمل بانکداری ما قرار گیرد، یا یک رأی باید رأی غالب پذیرفته شود، یا یک رأی مورد اجماع و اتفاق نظر قرار گیرد تا این که بتواند مبنای عمل واقع شود و اگرنه، در مقام بحث علمی بنده با ایشان هم عقیده هستم. بنده معتقدم وقتی که ارزش پول اعتباری کاسته می شود، ازنوسان ارزش کالاها تفاوت دارد. این کاهش ارزش در اثر افزایش حجم نقدینگی و دخل و تصرفاتی است که احیاناً از ناحیه دولت یا سیستم بانکی انجام می گیرد.

این اقدامات موجب کاهش قدرت خرید می شود و دیگر برگشت ندارد و یک طرفه است، و نتیجه این که قدرت خریدی را که قرض دهنده می دهد قید مالیت این پول است، و بر این اساس حق قرض دهنده است که همان قدرت خرید داده شده بود را پس بگیرد و اگر بر این مبنا مطابق نرخ تورم پول اضافی به او داده شود، ربا نیست.

ربا به معنای سود است. اینجا سودی نکرده و عملی بهره تلقی می شود که سود صدق کند. در این حالت سود پول نیست، بلکه قدرت خرید پولی است که داده شده بود و حالا باز پس داده می شود وحتی حق قرض دهنده است. اگر بنا باشد کمتر از قدرت خریدی که او به ما داده است به او پس بدهیم، مخالف قاعده عدالت است. آن قرض دهنده مالی را داده بود که قدرت خریدی داشت، ما هم می دانیم این قدرت خرید در حال کاهش است و باید جبران شود و قاعده عدالت همین را اقتضاء می کند.

نکته دیگراین که این مابه‌التفاوت را می توان حدس زد و پیش بینی کرد. در آغاز سال می توانیم پیش بینی کنیم میزان تورم چقدر خواهد بود، ارزش پول به چه میزانی کاهش می یابد اما نمی توان به طور قطعی آن را تعیین و اعلام کرد و بگوییم امسال به سپرده پس اندازها مثلا۱۵ درصد سود می دهیم، زیرا

مصباحی مقدم: برخی از فقها عقیده دارند پول از اشیای مثلی است و اگر بنا را بر این گذاشتید که یک میلیون تومان قرض بدهید، حق دارید یک میلیون تومان هم باز پس بگیرید. نه زیاد و نه کم



پیش‌بینی کرده‌ایم که نرخ تورم امسال ۱۵ درصد خواهد بود. اصولاً چنین پیش‌بینی مشکل است، ولی تعیین سود پول یا به تعبیری تعیین جبران کاهش ارزش پول از آغاز سال و روی آن تأکید کردن نادرست است، بلکه این سال مالی است که باید طی شود تا در پایان سال ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. ممکن است همین مقداری که پیش‌بینی کرده بودیم، رخ دهد و ممکن است کمتر یا بیشتر باشد و باید همان مقداری که اتفاق افتاده است، جبران شود نه بیشتر و نه کمتر.

بهرامپور: به نظر می‌رسد با دیدگاه‌هایی که در رابطه با بحث پول و تعریف پول و در واقع مصداق یابی این مسئله مطرح شده است، تا حدی مسیر صحبت ما روشن شد. به این نکته اشاره شد که شاید نتوان روی برخی از تخمین ها در ابتدای سال کاری انجام داد، در حالی که ما می بینیم مثلاً نهادهای سیاستگذاری مثل شورای پول و اعتبار یا شورای عالی بانک ها در این زمینه در مواقعی از سال اظهار نظرهایی می کنند و این را به عنوان یک سند رسمی در اختیار بانک ها و سیستم اقتصادی کشور قرار می دهند.

از طرف دیگر نظام قانونگذاری کشور در قالب برنامه‌های مقطعی مثل بودجه‌های سنواتی یا برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مثل سند پنج ساله چهارم یا افق بیست ساله ، جرح و تعدیل های دیگری را در این زمینه انجام می دهند. خوب است که در ابتدا نظر جناب آقای هاشمی را در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات سالانه‌ای که برای هماهنگی بانک ها صورت می گیرد، بشنویم و بعد ببینیم نظام قانونگذاری کشور یعنی مجلس شورای اسلامی در این زمینه چه تصمیمی می گیرد.

حسینی هاشمی: چون پول در ابتدا به صورت اسکناس نبود، بلکه به صورت ارزش ذاتی بوده است، و جنس آن هم در پیشرفته‌ترین مرحله طلا و نقره بوده است و در این مرحله استقراض هم ارزش ذاتی داشته و دیگر کاهش ارزش پول مطرح نبوده و همان تعداد سکه‌ای که قرض داده می شد، همان تعداد هم پس می گرفته می شد و با تورم پول قدرت خودش را حفظ می‌کرد و این امر در ذاتش بود و وقتی که سکه‌های طلا به اسکناس تبدیل شد ، اسکناس ارزش اعتباری پیدا کرد. در این زمان بحث قدرت خرید مطرح و گفته شد که پشتوانه اسکناس باید همان طلا باشد و آن قدرت خرید خودش را دارد، حتی قبل از سال ۱۹۷۵ و بعد از آن کنفرانس "برتن ودز"پیش آمد که در جریان آن قابلیت تبدیل دلار به طلا را قطع کردند. ایران هم همین کار را کرد و بعد از این کنفرانس طلا پشتوانه اسکناس شد و پشتوانه، ارزش خودش را دارد، ولی کسی که برگ اسکناس را در دست دارد، نماینده همان پشتوانه است. اکنون پشتوانه تغییرات زیادی کرده است، ولی آن کسی که برگ اسکناس در دستش است، نباید متضرر شود. چون روی آن اسکناس را نماینده وزیرامور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی امضا کرده‌اند که پشتوانه آن به میزان این مقدار طلا یا نقود بیگانه یا سایر دارایی دیگر است.

مصباحی مقدم: درحال حاضر پول اعتباری در هیچ سیستمی از سیستم های پولی دنیا برقرار نیست. از نظر حقوقی قانون فعلی کشور ما اقتضا می کند که معادل مقدار معینی مثلاً طلا یا نقره یا ترکیبی از طلا و نقره و ارز در بانک مرکزی نگهداری شود، ولی به طور واقعی این گونه نیست، و در حال حاضر در هیچ کشوری پشتوانه پول اعتباری، طلا یا مواد معدنی دیگر یا اشیای گرانقدر و نظایر اینها نیست.

پشتوانه پول اعتباری قدرت سیاسی و اقتصادی یک نظام است. اگر قدرت سیاسی و اقتصادی یک نظام بالا باشد، آن پول برش و برد دارد.

حسینی هاشمی: این همان پشتوانه است.

مصباحی مقدم: خیر. چون زمانی می گوییم پشتوانه پول طلاست که مطلقاً امروزه این گونه نیست.

بهرامپور:اجازه دهید این بحث را ببریم در حوزه قانونگذاری و نظر جناب آقای حاج بابایی را هم در این باره بشنویم و ببینیم که نگرش قانونگذار، نگرش بدنه ناظر و برنامه‌ریز بانکی ما درباره مقوله‌ای به نام قرض‌الحسنه چیست؟بنا به قولی‌آیا این یک فرصت است، یا یک تهدید؟ اگر تهدید است، چگونه آن را به فرصت تبدیل کنیم؟

حاج بابایی: امروز واقعیت این است که با توجه به نرخ تورم، ارزش پول شناور است و ما به هر میزانی که در سال تورم داریم، قطعاً ارزش پول هم کاهش می یابد و این به دلیل تورمی است که در جامعه وجود دارد و بانک های ما هم به دلیل نیازشان از شیوه‌های مختلف برای گردآوری نقدینگی استفاده می کنند. جامعه ما وارد یک موضوع اقتصادی تحت عنوان خصوصی سازی شده و میدان آن را هم باز کردیم و هر قدر هم توانستیم از این طریق نقدینگی را به عنوان بانک .به عنوان نظام بانکی و به نام دولت جمع آوری کردیم. این میدان را به بانک ها هم دادیم تا این کارها را انجام بدهند. بانک ها هم در یک رقابت تنگاتنگ وارد این مقوله شدند و هر بانکی برای اینکه بتواند از بانک دیگر و از مؤسسه مالی دیگر جلو بیفتد ، از همه امکاناتش استفاده کرد، یعنی در واقع وارد یک بازار و میدانی شدیم که حد یقینش را به راحتی نمی‌شود تعیین کرد. اما وقتی که یک موضوعی را تحت عنوان رقابت پذیرفتیم، باید ملزوماتش را نیز در جامعه بپذیریم .

بهرامپور: یعنی هر طوری هست، باید قبول کنیم؟

حاجی بابایی : خیر. بحث من قبول آن موضوع نیست، بلکه منظورم بر درست بودن یا غلط بودن این تفکر است. روی اصل این نوع تفکر باید فکر کرد . این تفکر در سالهای اخیر در بُعد اقتصادی به موضوعی تبدیل شده و میدان آن را باز گذاشتیم و این رقابت روزبه‌روز سنگین تر و نزدیکتر می‌شود. نمونه آن، انبوه تبلیغاتی است که روی بیلبورد هر خیابانی خودنمایی می کند و در آن هر بانکی سعی می کند جوایزی را ارایه کند که از بانک دیگر بیشتر و چشمگیرتر باشد.

بهرامپور: جناب آقای حاج بابایی علت این موضوع را در چه می‌بینید؟ به عقیده جنابعالی فلسفه وجودی چنین اقدامات و چنین جوایزی چه امری می تواند باشد؟

حاج بابایی: علت اصلی همان رقابتی است که ما ایجاد کردیم. یا اعتقاد ما به سرمایه‌داری کنترل شده است یا معتقد به سرمایه‌داری رها هستیم. روندی که الآن طی می کنیم از نوع سرمایه‌داری رها است. یعنی در واقع میدانی را باز کرده‌ایم که



حاجی بابایی: واقعیت این است که با توجه به نرخ تورم، ارزش پول شناور است و ما به هر میزانی که در سال تورم داریم ،قطعاً ارزش پول هم کاهش می‌یابد و این به دلیل تورمی است که در جامعه وجود دارد

شاید خودمان هم به راحتی نتوانیم آن را کنترل کنیم. در این موضوع که اگر بانکی نقدینگی بیشتری داشته باشد، از قدرت بیشتری برخوردار است، مگر کسی شک دارد؟ یعنی در عرصه اقتصادی کشور هر بانکی - چه بانک صادرات، چه بانک ملی و چه بانک های دیگر- که بتوانند نقدینگی بیشتری را جمع آوری کنند، از قدرت مانور بیشتری برخوردارهستند. تعریفی که برای جمع آوری نقدینگی ارایه کردیم، به نظر من یک تعریف اسلامی کنترل شده نیست ،یعنی اینگونه نیست که در بحث مسائل ربا و مباحث مختلفی که در طول سالهای اخیر زیاد هم به آن پرداخته شده است، به یک جمع بندی رسیده باشیم. موضوعی که در رابطه با بحث ارزش و قدرت پول مطرح شد، شاید مورد قبول همه علمای ما نباشد، یعنی فتوایی صادر می شود، ولی واقعیتی که در جامعه است، به گونه دیگری است. هیچ کس در این امر شک ندارد که وقتی یک میلیون تومان پول به کسی قرض داده شد، این مبلغ، سال بعد ۸۵۰ هزار تومان یا ۸۰۰هزار تومان خواهد بود و در این امر نمی توان شک کرد. آیا فتوایی که در این زمینه صادر شده، با این موضوع که الآن در جامعه مطرح است، یکی است؟ مسلماً خیر. من فکر می کنم الآن در جامعه اقتصادی کشور ما قوانین سرمایه گذاری خارجی حاکم است، نه فتوای اسلامی. به نظر من در مسئله اقتصادی بیشتر یک نوع هرج و مرج اقتصادی حاکم است. به این دلیل نمی توانیم نوع جوایز را کنترل کنیم، یعنی اگر ما امروز ۱۰ مورد یا ۱۵ مورد را به عنوان پارامترهای موجود مشخص کنیم و بگوییم قطعاً این شرایط را باید اجرا و اعمال کنیم تا به یک نتیجه منطقی برسیم و به هر بانکی بگوییم حتماً باید این نوع جوایز را بدهید و بیشتر از این هم نمی توانید بدهید، در عمل بانک ها نمی توانند به این موضوع جامه عمل بپوشانند .زیرا قبل از آن برای بانکها تکلیف جمع آوری نقدینگی را تعیین کرده ایم. بخش خصوصی به ما این اجازه را نخواهد داد، زیرا در حال حاضر بانک خصوصی و صندوق های قرض الحسنه ای داریم که تحت کنترل مستقیم دولت نیستند. آنها هم میدان را باز کرده و در حال جلو رفتن هستند. بنابراین من فکر می کنم که ما باید اول حیطه تفکر اقتصادی مان را در جامعه از شیوه انجام کار مشخص کنیم تا ملزومات آن در جامعه برای ما کاملاً روشن شود، در غیر این صورت جلسه گذاشتن و بخشنامه نوشتن و حکم کردن برای این که باید جایزه اینگونه باشد، حتی اگر در حیطه نظر بتوانیم آن را تصویب کنیم ، در حیطه عمل با شکست روبه‌رو خواهد شد.



بهرامپور: یکی از وظایف شورای عالی بانک ها ارایه مشاوره به سیستم بانکی کشوراست و در قانون به یک مورد به صراحت اشاره شده و آن هم ارایه مشاوره برای انتخاب مدیران عامل بانک ها است. اما به نظر می رسد که حیطه ی این اختیار وسیع تر از این قضیه است



حاجی نوروز: شورای عالی بانک ها بر اساس لایحه قانونی اداره امور بانک ها یک سری وظایف خاصی را دارد. در این لایحه، سلسله‌مراتب تصمیم گیری اول بر عهده مجمع عمومی بانک ها و بعد شورای عالی بانک ها است. یکی از وظایف شورای عالی بانک ها ارایه نظر مشورتی در خصوص انتخاب مدیران عامل بانک ها واعضای هیأت مدیره بانک ها است.

جوایزی که بانک ها به سپرده گذاران قرض الحسنه می دهند ،به این صورت است که آنها برای سپرده گذاری تشویق شوند و این سپرده‌های قرض الحسنه‌ای که مردم نزد بانک ها تودیع می کنند در چارچوب تصمیماتی که تصمیم گیرندگان عالی رتبه مملکت یعنی در درجه اول مجلس شورای اسلامی و بعد هیأت دولت می گیرند، از آن استفاده می شود.

یکی از مواردی که اخیراً برای اعطای وام قرض الحسنه خیلی استفاده می شد، در زمینه وام ازدواج و وام تهیه جهیزیه برای مزدوجین و اعطای کمک هزینه دانشجویی به صندوق های رفاه دانشجویی و یا برای نوسازی و بهسازی روستاها بوده است.

ازاین وجوه در گذشته نیز بر حسب مورد استفاده می شد واکنون برای اشتغال استفاده می شود. در ۲ سال گذشته بر اساس یکی از تبصره‌های قانونی برای ایجاد هر شغل وام قرض الحسنه داده شده است. از این وجوه به موجب تصمیم مدیران ارشد کشور برای مصارف عام المنفعه استفاده می شود. بنابراین با این جوایز می خواهند افراد مبالغی را به صورت قرض الحسنه نزد بانک ها بگذارند. معتقدیم علاوه بر اجر و پاداش معنوی، که دهنده قرض الحسنه خواهد برد، باید تشویق های دیگر هم مانند جوایز مالی باشد. چون تعداد این سپرده گذاران خیلی زیاد است، لذا بر اساس قرعه نفرات را انتخاب می کنند.

بهرامپور: آقای حاجی نوروز، ببخشید این فرمایش قانونی شما درست است، ولی من به عنوان یک مخاطب توجیه نشدم که این جوایز استثنایی که بانک ها می دهند چه جایگاهی دارد . شما اشاره می کنید که تصمیم گیران ارشد این کار را می کنند، ولی من در هیچ بخشنامه‌ای از هیأت دولت یا مصوبه‌ای از مجلس ندیده‌ام که به صراحت به این جوایز خیلی استثنایی اشاره کنند. فکر می کنم این جوایز به تصمیم گیری سیستم بانکی برمی گردد، و سؤال من این است چرا سیستم بانکی ما باید چنین کاری را انجام دهد؟ چرا باید این گونه باشد؟

حاجی نوروز: من در ابتدا مصارف این وجوه قرض الحسنه را عرض کردم که این منابع به مصرف خدمات عام‌المنفعه می رسد و همه مردم از آن استفاده می کنند، مصارف عام‌المنفعه‌ای است که مسئولان رده بالای کشوری تعیین می کنند، نه بانک ها. اما بانک ها برای جذب این وجوه عامل اجرایی هستند و برای این که وجوه را جذب کنند، جوایزی را می گذارند. در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین نامه های مربوط به این جوایز اشاره شده و گفته شده بانک ها برای این که این وجوه را جذب کنند، می توانند جوایز مختلفی بدهند. از جمله بخشودگی کارمزد انجام عملیات بانکی و یا اولویت در استفاده از تسهیلات قرض الحسنه برای کسانی که وجوه قرض الحسنه نزد بانک ها می گذارند.

بهرامپور: پس جوایزپیش بینی شده در قانون جوایز استثنایی نیست؟

حاجی نوروز: در اوایل اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا سقف این جوایز را شورای پول و اعتبار تعیین می کرد و به مدت دو- سه سال هم همین کار را کرد. بعد این تصمیم را به مدیران عامل بانک ها محول کرد و پس از آن هیأت مدیره بانک ها، برای این که قرض الحسنه بیشتری را جمع آوری کنند و به این ترتیب قدرت اعطای تسهیلات قرض الحسنه بیشتری را به دست بیاورند تا از این بابت جایگاه بالاتری را برای بانک خودشان کسب کنند، میزان جوایز قرض الحسنه را به تدریج بالا بردند تا این که - اگر اشتباه نکنم - شاید سال های ۶۸ یا ۶۹ به نقطه‌ای رسیدیم که امروز هم رسیده بودیم، یعنی در یک رقابت شدید، میزان جوایز استثنایی به شدت بالا رفت تا جایی که از طرف دفتر مقام معظم رهبری یا از طریق مراجع دیگر دستور داده شد، این کار متوقف شود. وقتی اعطای جوایز به آن ترتیب متوقف شد، دو تا سه سال منابع قرض الحسنه‌ها به میزان قابل توجهی جذب نشد، یعنی می خواهم فرمایش جناب آقای دکتر حاج بابایی را تکرار کنم که بالاخره جامعه به ما بازخورد و نشانه هایی می دهد، بنابراین مجدداً این جوایز برقرار و اختیار آن به هیأت مدیره بانک ها سپرده شد.

به اعتقاد ما که به عنوان نظارت کننده بر بانک ها فعالیت می کنیم تا تقریباً دو سال قبل که بالاترین جایزه یک ماشین ماکسیما بود ،اعطای جوایز از روال طبیعی برخوردار بود. یعنی جایزه‌ها خیلی فراتر نبودند تا این که آن بنز الگانس به میان آمد.

حاج بابایی: ماکسیما جایزه‌ای طبیعی و متوسط بود؟

حاجی نوروز: بله. در عمل و تجربه ما متوجه شده‌ایم افرادی هستند که حساب های متعدد باز می کنند برای این که از این جوایز استفاده کنند. باز کردن حساب های متعدد هم وقت زیادی از کارکنان بانک ها را می گیرد و هم کارهای اداری فراوانی را می طلبد، از این رو بانک ها ارقامی را تعیین کرده‌اند و به آنها امتیاز می دهند .الآن هر بانکی می گوید هر ۵۰ هزار ریال یا هر ۱۰۰ هزار ریال را یک امتیاز می دهم. روال جوایز از این نظر که بالاترین رقمش حداکثر همان قیمت یک ماکسیمای سی و چند میلیون تومانی بود، طبیعی بود. تا این که بانک ... بنز الگانس را به عنوان جایزه تعیین کرد.

بهرامپور: یعنی هیچ عاملی هم ناظر بر این کار نبود؟

حاجی نوروز: بله. هیأت مدیره بانک ها بر این کار نظارت داشتند.

بهرامپور: یعنی هیأت نظارت بر بانک ها روی این قضیه هیچ کاری نکرد؟

حاجی نوروز: بله. ما ناظر بودیم واز نظر مقررات نظارت می کردیم.

بهرامپور: یعنی شما ، هیچ فکر نکردید که چنین امری می تواند آثار تورمی یا آثار شکاف طبقاتی داشته باشد؟

حاجی نوروز: بله. این فکر را کردیم ،که چنین موضوعی می تواند مشکل فرهنگی داشته باشد. گزارش آن را به شورای پول و اعتبار دادیم و در آن گزارش پیشنهاد کردیم که اولاً روند اعطای این جوایز متوقف شود و ثانیاً بین حداقل جایزه که چیزی حدود ۱۰ هزار تومان است و حداکثرجایزه‌ای که می دهند رابطه‌ای منطقی برقرار شود و پیشنهاد ما برای سقف جوایزدر آن گزارش جایزه‌ای حول و حوش سی میلیون تومان بود. به موجب مقررات، توزیع این جوایز باید به نحوی باشد که حداقل ۵ درصد از این جوایز به هر استان تعلق بگیرد و بانک ها برای این که این موضوع را رعایت کنند، جایزه‌هایی با ارقام پایین مثل ۵ هزار تومان و ۱۰ هزار تومان را می گذارند و این مبالغ شاید زمانی رقم بدی نبود، ولی الآن بسیارناچیز است. به همین دلیل پیشنهاد کردیم بین حداقل و حداکثر جایزه رابطه‌ای منطقی برقرار شود. محاسبات ما بر اساس میزان جذب قرض الحسنه ها نشان می داد که متأسفانه آن حداقل را نمی توانیم خیلی بالا ببریم. شاید حداقل را به ۲۵ هزار تومان برسانیم. پس باید آن۵ درصد را تغییر می دادیم، یعنی باید تعداد را کاهش می دادیم. برای آنکه آن را هم تغییرندهیم، حداقل جوایز را ۵هزار تومان تعیین کردیم. معتقدیم این گونه قرعه کشی ها جنبه لاتاری به خودش گرفته که اگر چه از نظر شرعی- همان طوری که آیت الله بجنوردی اشاره فرمودند- شاید اشکالی نداشته باشد، ولی صرفنظر از مسائل شرعی ما معتقدیم چنین ترتیباتی مثل لاتاری ها از سوی بانکها درست نیست . باید میزان این جوایز معقول و متعادل باشد و سقف آن خیلی پایین تر بیاید. فکر می کنم این بهتر باشد و نظرشورای عالی نظارت بر بانک ها این است که ما باید مبلغ جوایز را تغییر بدهیم.

بهرامپور: جناب آقای عطوفی جنابعالی بفرمایید که راهکارها و پیشنهادهای شما در این زمینه چیست؟

عطوفی: مسئله‌ای که در مورد حساب های قرض الحسنه پس‌انداز وجود دارد این است که در بانکداری اسلامی ظاهراً تصور می شود که حساب سپرده قرض الحسنه در این سیستم شاید از لحاظ شرعی جایزترین وجوه باشد. به دلیل اینکه بدون در نظر گرفتن سود و نفع از پیش تعیین شده است، ولی طبق قانون بانک ها می توانند جوایزی را به صاحبان حساب های قرض الحسنه بدهند،یعنی هیچ تکلیفی به بانک ها نشده بود که حتماً باید جوایزی را بین سپرده گذاران توزیع کنند. در اوایل سالهای پیروزی انقلاب اسلامی رویکردی اخلاقی به اقتصاد داشتیم و اکنون با این تبلیغاتی که بانک ها می کنند، ظاهراً به

عطوفی: تبلیغات ابزار مؤثری در جذب منابع است و آمار بانک ها در مقاطعی که تبلیغات دارند، نشان می دهد که تا چه اندازه‌ای تبلیغات کارا و مؤثر است



آن رویکرد مقداری خدشه وارد شده است و در بین اقشار جامعه به خصوص اقشاری که جنبه‌های اخلاقی و دینی مسئله را بیشتر مد نظر دارند، نگرانی ایجاد شده است. تبلیغات ابزار مؤثری در جذب منابع است و آمار بانک ها در مقاطعی که تبلیغات دارند، نشان می‌دهد که تا چه اندازه تبلیغات کارا و مؤثر است. از یک سو اگر این تبلیغات را کنار بگذاریم و به سمت روش‌های دیگر تبلیغاتی برویم شاید با این نوع حساب (قرض الحسنه)، جامعه به لحاظ اخلاقی و فرهنگی بهتر برخورد کرده واجازه ندهیم جامعه دچار سؤال و تنش شود، ولی از طرفی دیگر بانک ها قادر نخواهند بود منابعی را جذب کنند، چرا؟ چون در سیستم بانکداری ما، فرصت هایی که برای سپرده گذاری وجود دارد، مشخص و محدود است. سپرده‌گذار یا مشتری می‌تواند فعالیت های تجاری را در قالب سپرده دیداری ، حساب جاری قرض‌الحسنه و یا بلند مدت نگاه کند و سودهایی هم به صورت علی‌الحساب و هم به طور مقطعی ، دریافت کند. برای مشتری نوع سوم این جا فرصتی نیست. از این رو من می‌توانم اذعان کنم که این حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز هم کاملاً جنبه لاتاری پیدا کرده است. فکر می‌کنم مقداری به آمار و ارقام نیازداشته باشیم. چون که همواره رسوب وجود دارد؛ یعنی کسانی هستند که همواره به دلایل مختلف پول خود را در حساب سپرده پس انداز قرض‌الحسنه می‌گذارند و شاید به منظور قرعه‌کشی نباشند. از طرف دیگر می‌بینیم که عده کمی هم هستند در ایام تبلیغات و اعطای جوایز پول خود را از حساب پس‌انداز کوتاه مدت به حساب سپرده پس انداز قرض‌الحسنه واریز می‌کنند، یا منابع بیشتری را واریز می‌کنند تا بتوانند از امتیاز بیشتری برخوردار شوند.

بهرامپور: به نکته خیلی خوبی اشاره کردید که ما این سیستم را اخلاقی- اسلامی کنیم، اگر رنگ و بوی سرمایه‌داری به خودش گرفته است ما با رعایت اخلاق و در نظر گرفتن معیارهای اسلامی آن را اصلاح کنیم. آیا در مجموعه‌ای که خودتان به آن اشاره کردید ما می‌توانیم راهبردهایی را در نظر بگیریم که دریک تعدیل بطئی میان مدت، نظام جوایز قرض‌الحسنه در کشور به گونه‌ای اصلاح شود که برخی تنش‌ها، انتقادها و مسائل دیگر مطرح نشود؟ آیا چنین امری امکان پذیر است؟

عطوفی: الآن رقمی غیر قابل تصور ، حول و حوش ۶۰ میلیون فقره حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه - حساب هایی که مشمول جوایز می‌شوند- در سیستم بانکی وجود دارد. اگر حساب هایی که حداقل شرایط را ندارند، به این رقم اضافه کنیم، قطعاً به رقم بیشتری خواهیم رسید. حدود ۷ یا ۸ درصد حداقل هزینه تمام شده این وجوه برای بانک است. پس می‌بینید برای بانک ها از این جهت هیچ نفعی وجود ندارد. بانک ها اگر منابعی را جذب می‌کنند صرفاً می‌خواهند سهم خود را در بازار فعالیت های اقتصادی زیادتر کنند و خود این حساب ها شاید برای بانک ها جز زیان چیز دیگری نداشته باشد. رقم ۲ درصد مبلغ جوایز برای ۵ درصد سپرده گذاران، حدود ۱۴۰۰ تومان سرانه برآوردی است و اگر بخواهیم جوایز را محدود به آن ۵ درصد مشتریان کنیم، سرانه چیزی حدود ۲۴ هزار تومان خواهد شد. حالا اگراین رویکرد بخواهد اخلاقی باشد باید تأثیرآن را بر جذب منابع بانک ها دید و اگر بخواهیم روی جذب منابع تکیه کنیم، از کدام منبع باید مصارف قرض‌الحسنه تأمین شود؟ زیرا افراد زیادی هستند که به وجوه قرض‌الحسنه نیاز دارند وباید آنها را در نظر داشت. آیا ما به دلیل اینکه جنبه‌های اخلاقی را در نظر بگیریم، حاضر هستیم نیاز عده‌ای از نیازمندانی را که به این منابع احتیاج دارند، تأمین نکنیم؟

با این تجربه‌ها می‌توانیم درجوایزحساب های قرض‌الحسنه بازنگری کنیم وامکان آن نیز وجود دارد، منتهی به میزانی که جنبه تبلیغات را از دست ندهیم.

بهرامپور: جناب آقای کریمی، من از جناب عالی می‌خواستم که دیدگاه خودتان را درباره تأثیر سیستم قرض‌الحسنه در نظام پولی و بانکی کشور بیان بفرمایید.

کریمی: در فصل دوم از ماده سه آیین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور دقیق به این نکته اشاره شده است که بانک ها می‌توانند- یعنی از کلمه می‌تواند استفاده کرده- به منظور تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه ،بدون تعهد و قرارداد با سپرده‌گذار، هر یک و یا تمام امتیازات- یک سری امتیازات را برای سپرده‌گذاران در نظر گرفته‌اند مانند اعطای جوایز غیرثابت نقدی یا جنسی، تخفیف یا معافیت در پرداخت کارمزدها- را به سپرده‌گذارها بدهند. قانون ودستورالعمل های اجرایی درست نوشته شده است، ولی ما در مقام اجرا تا حدودی بد عمل کرده‌ایم. جناب آقای حسینی هاشمی، اشاره فرمودند که باید به۵ درصد تعداد حسابها جایزه بدهیم،اما این رقم در قانون بین۵ تا ۱۰ درصد است و آماری که ما گرفته‌ایم در بانک ها همیشه حدود ۵درصد است. براساس ماده شش دستورالعمل اجرایی اعطای جوایزقرض‌الحسنه‌ها، در سال ۶۳ مبلغ یک میلیون ریال برای سقف جوایز تعیین شد و برای سال های ۶۴ و ۶۵ همین رقم تمدید شد، ولی بعدها به تقاضای دو تن از مدیران عامل بانک ها این موضوع در شورای عالی پول و اعتبار مطرح شد و تعیین این سقف را در اختیار مدیران عامل بانک ها گذاشتند. متأسفانه بانک ها بین نسبت حداقل و حداکثر هیچ موقع اعتدال را رعایت نکرده‌اند، ولی بانک ها هزینه تبلیغات را که بایدحداکثر مبلغ آن ۲ درصد، از ۲ درصد اعتبار جوایز باشد، هیچگاه رعایت نکرده‌اند. درست است تبلیغات باعث می‌شود که مشتریان بیشتری به بانک بیایند و سپرده‌گذاری کنند، ولی باید جهت تبلیغات تغییر کند. مثلاً در تبلیغات گفته شود امسال چه میزان از نیازهای ضروری مردم از راه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه برطرف شده است؟ بابت ازدواج چه مقداری تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت شده است؟ افراد خیر زیادی هستند که می‌توانند پول خود را در بانک بگذارند، بدون اینکه نیازی به جایزه داشته باشند. حتی قانونگذار وقتی می‌گوید "می‌توانند" یعنی خواسته است رضای خاطر آن سپرده‌گذار را تأمین کند. اگر بانک ها واقعا در این جهت حرکت و تبلیغ کنند و مقداری به سپرده های کوچک و به ارزش های معنوی توجه کنند، مطمئن هستم افرادی پیدا خواهند شد که پول خود را نزد بانک ها خواهند گذاشت.

تبلیغات و رقابت خوب است، ولی من فکر می‌کنم اگر بتوانیم

کریمی:بایدبررسی‌کنیم که چرا صندوق های قرض‌الحسنه به یکباره تا ۶ هزار صندوق رشد می‌کنند و این به این دلیل است که مردم تصور می‌کنند سیستم بانکی ما نیازهای ضروری آنها را برآورده نمی‌کند و اگر تبلیغات را به سمت و سویی ببریم که مردم از فعالیت های بانک ها آگاه شوند، قطعاً در این راه موفق خواهیم شد



در این جهت حرکت کنیم و رابطه ای منطقی بین حداقل جایزه و حداکثر آن برقرار کنیم ،می توانیم بخش عمده ای از این مشکل را حل کنیم و این کار را خیلی راحت با صدور بخشنامه‌ای می توان انجام داد.

بهرامپور: تا اینجا مسئله و مشکل مطرح شد ، حالا قدری عملگراتر با موضوع برخورد کنیم و به سراغ رهیافت ها و راهبردها برویم، از آقای مصباحی مقدم خواهش می کنم که دراین خصوص نظرات خودشان را مطرح کنند.



مصباحی مقدم: در قرض اصل بر احسان است، ولی در معاملات اصل بر سود است، البته این طور نیست که حتماً به فرد قرض دهنده باید احسان کرد. پس جوایز این حساب ها را می توان از این بابت توجیه کرد، اما نکته قابل توجه این است که جوایز نباید ارتباط تنگاتنگ و جدولی با مبالغ پس‌اندازها داشته باشد به این سبب که بانک ها می‌گویند هر ۵۰ هزار ریال یک امتیاز، اگر این ۵۰ هزار ریال ۲ تا شد ،۲ امتیاز والی آخر .

این ارتباط جدولی با مسئله احسان سازگاری ندارد و این نکته مهمی است.علاوه بر این، این ذهنیت را به وجود می آورد که اگر نگوییم ربا می شود باید در سیستم بانکی کاری کنیم که ذهنیت عامه مردم را از هر گونه آغشتگی این جوایز به بهره دور کنیم و به نظر من این رابطه جدولی بین میزان پس اندازها و جوایز حتماً باید برداشته شود.

در جامعه ما کسانی هستند که برای ۱۰۰ هزار تومان پول به هر دری می زنند و حتی در این راه به فساد کشیده می شوند و این ارقام که با طبقه ضعیف و حتی متوسط جامعه هیچ تناسبی ندارد، باعث می شود که مسئله قرض الحسنه از احسان دور شود.

اگر بانک ها در تبلیغات خود میزان وام های قرض الحسنه‌ای که مثلاً برای ازدواج پرداخت شده و یا تعداد خانه های روستایی ساخته شده با کمک این وجوه و سایر مصارف آن را در لیستی به جامعه ارایه و به طورمرتب روی آن تأکید کنند ،انگیزه برای پس اندازکنندگان با توجه به فرهنگ بالای جامعه بیشتر می شود، زیرا با این کار اثرات این قرض الحسنه ها محسوس تر و ملموس تر خواهد شد. به عنوان جایزه نیز می توانید اعلام کنید تا این سقف میزان پس انداز اگر کسی داشته باشد، می تواند فردی را برای دریافت وام قرض الحسنه به بانک معرفی کند.

اگر چنین خدماتی داده شود، قطعاً انگیزه برای افتتاح حساب قرض‌الحسنه و طولانی تر کردن مدت آن بیشتر خواهد شد. فکر می‌کنم اگر برای جوایز سقفی حدود۵ میلیون تومان گذاشته شود، رقم متعارفی باشد. زیرا نباید فرد با بردن مبلغ جایزه احساس کند اتفاق عجیب و بزرگی در زندگی اش روی داده است.

پیشنهاد می کنم تحقیقی به عمل آید تا مشخص شود تبلیغات در افزایش میزان پس‌اندازها تا چه حد تأثیرگذار است.

حسینی هاشمی: این موضوع بررسی و مشخص شده که تأثیرتبلیغات خیلی بالا است.

مصباحی مقدم: اطلاعاتی که بنده از سالهای گذشته دارم این است که مانده حساب های پس انداز و جاری در طی بیست سال گذشته حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد منابع بانکی بوده و اگر بتوان اعداد و ارقام حساب های پس‌انداز را مقایسه کنیم برای ما روشن می شود که تبلیغات تا چه میزان در این زمینه تأثیر دارد.

هر ساله یک رشد کلی در منابع بانکی داریم و میانگین این رشد سالانه ۳۰ درصد بوده و سال گذشته این میزان به ۳۱ درصد رسیده و منابع بانکی به طور دایم در حال افزایش است و حدود ۹۳ درصد نقدینگی جامعه در سیستم بانکی است.

بهرامپور: این میزان نشان دهنده اعتماد مردم به سیستم بانکی است.

مصباحی مقدم: بله. می خواهم بپرسم جوایز این میزان را چند درصد بالا یا پایین خواهد برد؟ اگر جوایز را در نظر بگیریم، آیا این میزان مثلاً به ۹۷ درصد خواهد رسید؟ یا اگر این جوایز را در نظر نگیریم، آیا این میزان به ۸۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد؟ خلاصه باید ببینیم نقش این جوایز چشمگیر است یا خیر؟

بهرامپور: خیر، موضوع اصلی نقل و انتقال از حساب ها است.

مصباحی مقدم: عذر می خواهم که چنین صریح عرض می کنم. پس این به معنای آن است که سیستم بانکی از ابزار تبلیغات سواستفاده می کند و منابعی را که در سپرده های کوتاه مدت بوده، به حساب های قرض‌الحسنه می کشاند. زیرا ۸ درصد سود حساب های پس انداز کوتاه مدت برای سپرده‌گذار زیاد چشمگیر نیست، ولی فلان جایزه ویژه حساب های قرض‌الحسنه بسیار دلنواز است.

حتماً شما می دانید که در سیستم بانکی ما منابع کوتاه مدت در حال تبدیل شدن به منابع بلند مدت است و در منابع



حاجی نوروز: قوانین فعلی دستورهای اداری است و اگر بخواهیم وحدت رویه را برقرار کنیم، باید از طریق شورای پول و اعتبار به تصویب برسد

بلند مدت حدود ۴۵ تا ۴۷ درصد رشد داشته ایم.

نکته دیگر این است که بر اساس آیین نامه های بانکی، بانک ها می توانند ۱۰ درصد منابع پس‌اندازقرض‌الحسنه را به صورت تسهیلات قرض‌الحسنه در اختیار مردم قراردهند و ۹۰ درصد باقی را به نحو دیگری بهره برداری کنند.

عطوفی: این نکته را باید تصحیح کنم که ۱۰ درصد کل تسهیلات بانک باید تسهیلات قرض الحسنه باشد.

مصباحی مقدم: می‌دانیم که ۴۰ درصد منابع بانکی از محل حساب های پس‌اندازقرض‌الحسنه و مانده حساب های جاری قرض‌الحسنه است و به هر حال در اینجا مابه التفاوت قابل توجهی وجود دارد.

بهرامپور: جناب آقای بجنوردی آیا امکان دارد دولت اسلامی به بانک ها تکلیف کند تسهیلاتی مانند پرداخت پول بیمه، عوارض نوسازی، هزینه آب و برق و غیره را به عنوان حمایت از مردم از محل منابع کسب شده قرض الحسنه به مردم بدهد؟

موسوی بجنوردی : دولتی را که می گویید منظور کل مجموعه نظام شامل قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه است که موظف هستند در جهت رفاه ،امنیت و فرهنگ جامعه حرکت کنند و این از خصوصیات حکومت اسلامی است. اما در مسئله بانک کمی متفاوت است . بانک امین پول مردم است و حکومت نمی تواند با پول مردم این کار را انجام دهد، ولی می تواند از بودجه عمومی این کار را انجام دهد.

تا زمانی که بانک ها در مسئله جوایز به وحدت رویه دست پیدا نکنند، این مشکل حل نخواهد شد. زیرا اگر بانکی بگوید ماشین فلان می‌دهم و بانک دیگری بگوید نظام پاداش معنوی را پیاده می کنم، همه مردم به سوی بانک اولی می‌روند.

باید این موضوع به شکل وحدت رویه درآید تا به یک روش معقولی دست پیدا کنیم. وقتی که من از خیابان ها عبور می کنم و در تبلیغات می بینم که گفته می‌شود کیلومترها اسکناس ۲هزار تومانی می‌دهیم، بسیار ناراحت می‌شوم. زیرا این گونه تبلیغات اصلاً زیبنده نظام اسلامی نیست و این طریق تبلیغات مختص به کشورهایی است که در آنجا فقط معیار پول است و بس.

ما باید در جامعه بر اساس واقعیت ها صحبت کنیم و بگوییم جایزه می‌دهیم، مثل لاتاری. چه اشکال دارد که بگویید ۱۰۰ نفر را به مکه می‌بریم و واقعاً آنان را به مکه ببرید و نه وجه آن را به آنها بدهید، ۱۰۰ نفر را هم به سوریه ببرید، اما ده کیلومتر اسکناس به سیستم بانکی و حتی پول ملی خدشه وارد می کند.

بهرامپور: جنابعالی مسئله وحدت رویه را برای رسیدن به یک اجماع مطرح کردید، سؤال من این است که راهکار یا پیشنهادهای شما برای رسیدن به این وحدت رویه چیست و چه راه‌هایی را پیشنهاد می کنید؟

موسوی بجنوردی: معتقدم برای رسیدن به این وحدت رویه از آقایان صفدر حسینی شیبانی و مدیران عامل بانک ها و کسانی که در این زمینه آنان را قبول دارید، دعوت به عمل آید تا سقف و کیفیت این جوایز را با توجه به شئون و ارزش های جامعه طوری تعیین کنند تا با معیارهای اجتماعی و اسلامی در تضاد نباشند. از دست ندادن ارزش ها برای ما اصل است. این جوایزی که در حال حاضر مطرح است بانک ها را نزد مردم کوچک کرده است، در حالی که بانک نهادی شریف و شریان حیاتی و اقتصادی کشور است و نباید آن را نزد مردم کوچک کرد.

نکته دیگر این که باید به مردم بگوییم کسانی که قرض الحسنه به بانک ها می‌دهند، به آنان تفاوت نرخ تورم داده می‌شود و اگر این را مردم بفهمند که شما نرخ تورم، یعنی پول خودشان را به آنها پس خواهید داد در جذب سرمایه های مردم خیلی تأثیر خواهد داشت.

حاجی نوروز: درخصوص وحدت رویه باید بگویم که قوانین فعلی دستورهای اداری است و اگر بخواهیم وحدت رویه را برقرار کنیم، باید از طریق شورای پول و اعتبار به تصویب برسد و آن چیزی که در دست هیأت مدیره بانک ها قراردارد، فقط سقف جوایز است.

نکته آخری که می خواستم در باره فرمایش حضرت آیت الله بجنوردی به آن اشاره کنم، جبران کاهش ارزش پول بر اثر تورم برای سپرده گذاران قرض‌الحسنه است که البته فکر جالبی است. ولی من نمی‌دانم بانک ها از چه منبعی باید این موضوع را تأمین کنند و فکر می کنم منابع مالی بانک ها اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

بهرامپور: ضمن تشکر از تذکرات آقای حاجی نوروز، از آقای عطوفی می‌خواهم در این باره نظرات خود را مطرح کنند.





عطوفی: اجازه دهید من روی کمیت موضوع صحبت کنم. کل میزان این جوایز حول و حوش ۶۰میلیارد تومان است که به جز چند جایزه بزرگ که انعکاس آن خیلی زیاد بوده، باقی جوایز درحد متعارف است. ما سه تا چهار مورد جایزه در سال گذشته داشتیم که انعکاس آن در جامعه زیاد جالب نبود. ولی باقی اقدامات بانک ها دراین باره متناسب با جنبه های فرهنگی و ظرفیت فرهنگی جامعه بوده است.

به علاوه در خصوص جوایز کوچک نیز مشکل داریم، یعنی شخصی چند میلیون تومان پول در حساب می گذارد و دست آخر۵ هزار تومان جایزه برنده می شود.

مشکل دراین است که مجاز نیستیم بیشتر از۲درصد میزان سپرده‌ها را به صورت جایزه بدهیم و در حال حاضر گزینه دیگری برای تغییر آن وجود ندارد.

نکته دیگر این است که بانک ها بنگاه های اقتصادی هستند وسؤال این است که تا چه میزان می توان بانکها را درگیر فعالیت های اجتماعی خداپسندانه کرد تا از فعالیت های اقتصادی دور نشوند؟ و اگر بنا باشد بانک ها برای اهدای جوایز به سمت فعالیت های اجتماعی بروند و وظایف سایر نهادها را برعهده گیرند، شایدتا حدی از کارکرد بانکداری دور شویم و هزینه های جانبی زیادی را بر بانک ها تحمیل کنیم.

نکته بعدی این است که اگر به فرموده آقای مصباحی مقدم، امتیازهای حساب ها را برداریم، تعداد مشتریان بانک ها به جای ۶۰ میلیون نفربه ۳۰۰ میلیون نفر می‌رسد. چون به لحاظ نرم افزاری بانک ها در مرتبه‌ای نیستند که یک فرد بتواند فقط یک حساب در یک بانک داشته باشد و در حال حاضر هر فرد می تواند در هر شعبه ای از بانک یک حساب باز کند و این موضوع سبب خواهد شد تا هزینه های بانک ها مجدداً افزایش پیدا کند.اگر این راه ها را برای افرادی که می خواهند در قرعه کشی شرکت کنند ببندیم قطعاً راه‌های دیگری پیدا خواهند کرد، اما قانون مقرر داشته است که هر نفر فقط می تواند در یک مرحله از قرعه کشی یک جایزه را ببرد.

در مورد تعداد جوایز نیز در حال حاضر حدود ۵۰ درصد جوایز بانک ها ۵ هزار تومانی است و اگر جوایز۱۰ هزار تومانی را نیز حساب کنیم ۹۴ درصد جوایز را تشکیل خواهند داد و اگر دو یا سه جایزه برجسته را حذف کنیم، باقی جوایز در متعارف هستند.

موسوی بجنوردی: منابع تأمین این جوایز از کجا است؟

عطوفی: منابع تأمین این جوایز ازمحل ۲ درصد از ۴ درصد کارمزد تسهیلات بانکی است.

کریمی: استنباط من این است که تبلیغات برای بانک ها صرفه اقتصادی دارد و باید بررسی کنیم که چرا صندوق های قرض الحسنه به یکباره تا ۶ هزار صندوق رشد می کنند و این به این دلیل است که مردم تصور می کنند سیستم بانکی ما نیازهای ضروری آنها را برآورده نمی کند و اگر تبلیغات را به سمت و سویی ببریم که مردم از فعالیت های بانک ها آگاه شوند، قطعاً در این راه موفق خواهیم شد.

حاج بابایی: درپایان می خواهم عرض کنم اگر جوایز را محدود و برخی را ممنوع کنیم، در کوتاه مدت این عمل جواب خواهد داد، ولی افرادی که پول های کلان در اختیار بانک ها قرار می دهند همه آن برای احسان و اجر معنوی نیست، بلکه برای رسیدن به جوایز استثنایی است و اگر بگوییم بین کسی که ۱۰ هزار تومان دارد با کسی که یک میلیون تومان دارد فرقی نیست، همان طور که جناب عطوفی فرمودند تعداد حساب ها را بی دلیل افزایش خواهیم داد و هزینه زیادی را سربار سیستم بانکی خواهیم کرد و این شیوه اقتصادی که انتخاب کردیم همین ملزومات را طلب می کند. متأسفانه در کشور ما هر کس خودش عمل می کند و سعی می کند به شکلی عمل کند که به نفع دستگاه خودش باشد و کلان نگر نیست.

با محدود کردن می توان در کوتاه مدت این مشکل را حل کرد، ولی در بلند مدت این عمل کارساز نخواهد بود.

بهرامپور: قطعاً بدنه تصمیم گیرنده کشور در مجلس، دیدگاه های اقتصادی خود را به صورت مصوبات قانونی ارایه خواهند کرد که از این بابت هیچ مشکلی وجود ندارد و از طرف دیگر اطمینان داریم نظام بانکی کشور چه در حوزه اجرا و چه در حوزه برنامه ریزی با توجه به مسئله و معضلی که به وجود آمده است، بتواند راه حل نوینی را ارایه دهد .

به عنوان ختم کلام امیدواریم بانک صادرات در این زمینه پیشرو و صف شکن باشد تا تسهیلات با شرایط آسانتری برای همه اقشار جامعه فراهم شود.

فصلنامه بانک صادرات: این نشریه به نوبه خود از تمامی میهمانان گرامی قدر دانی و سپاسگزاری می کند.